

## جایگاه پوشش و حجاب در آموزه های دینی و معارف اسلامی

### رقیه معاون

کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (تاریخ و تمدن ملل)، دانشگاه فردوسی مشهد - ایران

Moaven-r@gmail.com

#### چکیده

حجاب و پوشش اسلامی در فرهنگ ملی و اسلامی ما از جایگاه بلندی برخوردار است و لزوم آن نه تنها در میان همه مذاهب اسلامی، بلکه در همه ادیان الهی مورد اتفاق است و این حکم به دلیل بیان آن در قرآن ابدی و دائمی است؛ لذا از وظایف حکومت اسلامی است که این وظیفه دینی را تبلیغ و ترویج کرده و برای تحقق آن در جامعه برنامه ریزی و فرهنگ سازی کند. از این رو پوشش اسلامی از احکام ضروری اسلام است و هیچ مسلمانی نمی تواند در آن تردید کند، زیرا اصل قانون حجاب و پوشش اسلامی زن و مرد از ضروریات دین مبین است، چه این که هم نص صریح قرآن و هم روایات بسیار بر وجوب آن گواهی می دهند. به همین دلیل، فقهای شیعه و اهل سنت و پیروان مذاهب مختلف فقهی به صورت اجماع، پوشش زن و مرد را واجب و رعایت آنرا بر تمام مسلمانان الزامی می شمارند. برای نیل به این هدف بعد از مطالعه منابع دینی و معارف اسلامی اصیل جایگاه حجاب در معارف اسلامی مورد پژوهش و تحقیق قرار گرفت و پژوهش خویش را به روش اسنادی و کتابخانه ای تنظیم نموده و به نتایجی دست یافتیم و برای بهبود وضع موجود پیشنهادهای را مطرح نمودیم

واژه های کلیدی: پوشش، حجاب، آموزه های دینی، معارف اسلامی.

## مقدمه

در وجوب پوشش زن و مرد و رعایت حجاب در میان هیچ‌یک از مذاهب اسلامی، تردیدی نیست و همه فقیهان و عالمان آشنا به نصوص دینی بر لزوم پوشیده بودن بدن از نگاه نامحرم اتفاق نظر دارند و این حکم به دلیل آن‌که در قرآن آمده، ابدی و همیشگی است. از سوی دیگر، بایسته است نظام اسلامی این وظیفه دینی را تبلیغ و فرهنگ سازی کند و زمینه های اجرای آن را فراهم سازد تا جامعه را در برابر تهاجم فکری وارداتی، ایمن سازی کند و برای پاس داری از اخلاق خانواده و معنویت عمومی جامعه برنامه ریزی کند.

به طور کلی، باید پرسید آیا دلیلی بر اجبار در این واجب شرعی در قلیل و کثیر وجود دارد؟ آیا سابقه فقهی و تاریخی برای مجازات بدحجابی وجود دارد؟ آیا با وجود اقلیت‌ها و کنیزکان، سیره ای از پیامبر و امامان بر الزام حکومتی حجاب نقل شده است؟ دلیل کسانی که به الزام حجاب روی آورده‌اند، چیست؛ سیره عقلا، روایات تعزیر، اطلاقات ادله احکام فردی و اجتماعی، ادله نهی از منکر؛ کدام یک از آن‌ها یا همه آن‌ها؟ آیا این ادله بر این مبنا دلالت دارند؟

آنچه بیشتر در این پژوهش مورد توجه و ضروری به نظر می‌رسد، بررسی جایگاه حجاب در معارف اسلامی است. همچنین اگر مشخص شود که در مسأله حجاب به لحاظ فقهی جایی برای الزام و قوانین کیفری هست یا خیر، موضوع برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی از سوی مسئولان جدی گرفته می‌شود. برای دستگاه‌های اجرایی که دستی برای ظاهر سازی و اجرای این دسته از امور شریعت را دارند، آسان‌ترین راه استفاده از روش‌های الزام‌کننده است. با این که در قرن اخیر نوشته‌های بسیاری در قالب کتاب و مقاله به زبان فارسی و عربی در مسأله حجاب به رشته تحریر درآمده و بسیاری از زوایای این موضوع به بحث و بررسی گذاشته شده و تحقیقات ارزنده‌ای نیز صورت گرفته است، اما بحث از اجراسازی و الزام بر حجاب به لحاظ دینی و شرعی سابقه نداشته و به عنوان خاص هم مطرح نگردیده است. جالب این که حتی درباره ضرورت حجاب و غض بصر در کتاب‌های مرتبط به مناسبت احکام ستر و نظر بحث نشده است. تنها در برخی کتاب‌های اخلاقی و حدیثی به مناسبت عفاف و آفات چشم بسیار کوتاه به این موضوع اشاره شده است.

بنابراین در این نوشتار ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی واژه‌های مهم پرداخته و سپس در خصوص موضوع تحقیق بحث می‌کنیم و سپس نتایج مطلوب را بیان خواهیم کرد.

## بیان مسأله

حجاب و پوشش در فرهنگ ملی و اسلامی ما از جایگاه بلندی برخوردار است و لزوم آن نه تنها در میان همه مذاهب اسلامی، بلکه در همه ادیان الهی مورد اتفاق است و این حکم به دلیل بیان آن در قرآن ابدی و دائمی است؛ لذا از وظایف حکومت اسلامی است که این وظیفه دینی را تبلیغ و ترویج کرده و برای تحقق آن در جامعه برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی کند. اما اینکه حکومت اسلامی برای اجرای این حکم به روش‌های عقوبتی، تنبیه و تعزیر متوسل شده و اجبار و الزام قانونی برای آن داشته باشد، امری است که نه از ناحیه شرع مقدس تأیید شده و نه در تاریخ اسلام و سیره پیامبر و ائمه معصومان نمونه‌ای برای آن یافت می‌شود و نه سیره عقلا مؤید آن است؛ بنابراین لازم است حکومت برای پیاده‌سازی ارزش‌های دینی از جمله حجاب در یک جامعه، اولاً از روش‌های اثباتی استفاده نموده و در جهت ارتقای سطح علمی و معرفتی انسان‌ها بکوشد و بهره‌گیری از روش فرهنگ‌سازی و تعلیمات غیرمستقیم را مقدم دارد و ثانیاً باتدوین قوانین و مقررات لازم بر الزام افراد جامعه برای مصونیت از هر تهدیدی افراد را برابر آن واکسینه نماید.

منظور از این تحقیق شناخت دقیق حجاب و حفظ پوشش به همراه بررسی شرایط و احکام و ادله دینی الزام آن است. لذا سعی می‌شود از طریق فقه و قوانین برگرفته از منابع شرعی موضوع حجاب و الزام حکومتی آن مفصلاً بحث شود. علاوه بر این بحث تبیین مفاد، پیشینه و مستندات، شرایط، کاربرد آنها در مسائل حقوقی و کیفری نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از این رو مادر این تحقیق بر آنیم که با توجه به غنای آیات و روایاتی که در معارف اسلامی وجود دارد به بررسی جایگاه حجاب در معارف اسلامی پرداخته و آثار و نتایج احکام آن را در فقه مشخص نماییم.

## روش تحقیق

در این تحقیق روش اسنادی و کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. لذا با مراجعه به کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی و استفاده از کتب و منابع دست اول و همچنین بهره‌جستن از پایان‌نامه‌ها و مقالات مربوط به این موضوع، کار را شروع کرده و بعد از فیش برداری به جمع آوری داده‌ها پرداخته شده و سرانجام با بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب به نتایجی دست یافته و برای بهتر شدن وضع موجود پیشنهادهایی ارائه شده است.

## اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در آیات و روایات نکات فراوانی درباره حفظ حجاب و رعایت پوشش آمده است، اما هرگز نکته‌ای که دلالت بر الزام حجاب و مجازات بدحجاب هرچند به صورت تعزیری، داشته باشد، وجود ندارد؛ در حالی که در آن عصر در جامعه اسلامی زنان غیرمسلمانی بودند که مقید به رعایت حجاب نبودند. همچنین کنیزکان سرهای خود را برهنه می‌گذاشتند. قرآن کریم به زنان آزاده مسلمان دستور می‌دهد که خود را بپوشانند و در تعلیل آن می‌فرماید: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» (برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، یعنی کرامت آنان حفظ شود و مرزی میان آنها با دیگر زنان معین شده باشد تا کسی به بهانه اینکه گمان می‌کرده کنیز هستند، یا از زنانی هستند که تقیدی به مسائل اخلاقی ندارند، متعرض آنها نشود (طبرسی، ۱۳۷۹ق: ج ۸، ص ۲۰۰، سیوطی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ص ۶۶۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۳۱۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۷۱).

بنابراین در وجوب پوشش زن در میان هیچ‌یک از مذاهب اسلامی، تردیدی نیست و همه فقیهان و عالمان آشنا به نصوص دینی بر لزوم پوشیده بودن بدن از نگاه نامحرم اتفاق نظر دارند و این حکم به دلیل آن‌که در قرآن آمده، ابدی و همیشگی است. از سوی دیگر، بایسته است نظام اسلامی این وظیفه دینی را تبلیغ و فرهنگ سازی کند و زمینه‌های اجرای آن را فراهم سازد تا جامعه را در برابر تهاجم فکری وارداتی، ایمن سازی کند و برای پاس داری از اخلاق خانواده و معنویت عمومی جامعه برنامه ریزی کند.

لذا تحقیق در این موضوع می‌تواند بسیار با اهمیت و مورد توجه خوانندگان باشد. اما از آنجایی که مبداء و خاستگاه اصلی قوانین موضوعه ایران فقه می‌باشد. ضروری است تا اساس و نحوه احکام و ادله الزام حجاب با شرایط و احکام آن بررسی و نهایتاً نتایج حاصل از اجرای قوانین کنونی در این مورد را از جهت فقهی و حقوقی مورد تحلیل قرار دهیم.

## ادبیات یا پیشینه‌ی تحقیق

در آیات و روایات نکات فراوانی درباره رعایت پوشش و حفظ حجاب آمده است، اما هرگز نکته‌ای که دلالت بر الزام و اجبار حجاب و مجازات بدحجاب هرچند به صورت تعزیری، داشته باشد، وجود ندارد؛ در حالی که در آن عصر در جامعه اسلامی زنان غیرمسلمانی بودند که مقید به رعایت حجاب نبودند. همچنین کنیزکان سرهای خود را برهنه می‌گذاشتند. قرآن کریم به زنان آزاده مسلمان دستور می‌دهد که خود را بپوشانند و در تعلیل آن می‌فرماید: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» (احزاب، ۵۹) برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، یعنی کرامت آنان حفظ شود و مرزی میان آنها با دیگر زنان معین شده باشد تا کسی به بهانه اینکه گمان می‌کرده کنیز هستند، یا از زنانی هستند که تقیدی به مسائل اخلاقی ندارند، متعرض آنها نشود (طبرسی، ۱۳۷۹ق: ج ۸، ص ۲۰۰، سیوطی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ص ۶۶۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ص ۳۱۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۷۱) باتوجه به موضوع تحقیق و جستجویی که در منابع کتب و پایان‌نامه‌ها و اینترنت صورت گرفت، اگرچه در این باره مطالعاتی در بین محققین و نویسندگان انجام شده وهریک از نویسندگان کتابها و مقالات علمی در زمینه حجاب، شرایط و احکام آن از زاویه‌ای موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. ولی ما در این نوشتار به منظور شفاف سازی موضوع و بررسی آراء و فتاوی فقهی در باب الزامات حجاب و چهارچوب‌ها و قوانینی که در باب معارف اسلامی و ادله آنها برای روشن تر شدن این مسئله مطرح شده است پرداخته ایم.

## معانی حجاب

## الف: معنای لغوی حجاب

کلمه‌ی حجاب با معنی عربی خود یعنی جَلَباب در کتب فقهی بکار رفته است. لذا ما نیز به توضیح کلمه‌ی عربی آن می‌پردازیم. و اینکه جَلَباب چه نوع لباسی را می‌گویند، کلمات مفسرین و لغویین مختلف است و به دست‌آوردن معنای کامل آن کلمه دشوار می‌باشد. ولی اشاره‌ای به موضوع می‌کنیم.

«حجاب» واژه‌ای است عربی که در بستر اصلی خود کمتر به معنای پوشش زنان به کار رفته است. نتیجه تحقیق استاد مطهری در کتاب «مسئله حجاب» پیرامون معنای این واژه این است که کلمه حجاب در دو معنا استعمال می‌شود؛ هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده و البته اکثراً در همین معنای دوم به کار می‌رود. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است. شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۸).

حجاب: به معنای مانع، چیزی که بین دو چیز جدایی افکند، پوشاندن و پوشش ستر است.<sup>۲</sup>  
در المنجد چنین معنی شده است که:

« الجلباب : القميص او الثوب الواسع<sup>۳</sup>: جَلَباب پیراهن یا لباس گشاد است.»

در کتاب قاموس القرآن چنین توضیح داده:

« وَ الْجَلْبَابُ كَسِرْدَابٍ وَ سِنِمَارٍ الْقَمِيصُ وَ ثَوْبٌ وَاسِعٌ لِلْمَرْأَةِ دُونَ الْمَلْحَفَةِ أَوْ مَا تَغْطِي بِهٖ ثِيَابَهَا مِنْ فَوْقِ كَالْمَلْحَفَةِ، أَوْ هُوَ الْخِمَارُ<sup>۴</sup>: جَلَباب عبارت است از پیراهن و یک جامه‌ی گشاد و بزرگ کوچک‌تر از ملحفه و یا خود ملحفه (چادر مانند) که زن به وسیله‌ی آن تمام جامه‌های خویش را می‌پوشد، یا چارقد.»

در لسان‌العرب می‌نویسد:

«الْجَلْبَابُ ثَوْبٌ أَوْسَعُ مِنَ الْخِمَارِ دُونَ الرِّدَاءِ تَغْطِي بِهٖ الْمَرْأَةُ رَأْسَهَا وَ صَدْرَهَا<sup>۵</sup>: جَلَباب جامه‌ای است از چارقد بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر. زن به وسیله‌ی آن سر و سینه‌ی خود را می‌پوشاند.»

کلمه‌ی «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است.<sup>۶</sup> پس بنا بر آنچه گفتیم، جَلَباب را باید به معنی هر نوع پوششی بدانیم که مانع رؤیت موی سر زن نزد نامحرم می‌شود. حال می‌تواند این پوشش همان مقنعه‌ی کنونی باشد یا پارچه‌ای که روی سر قرار گیرد و کار پوشش را انجام دهد. به هر حال آنچه از موارد مذکور استفاده می‌شود، این است که نه کیفیت خاصی برای پوشش در قرآن هست و نه پوشش منحصر به قرآن می‌شود؛ چرا که به روش‌های مختلف در زمان پیغمبر و اهل‌بیت (ع) پوشش رعایت می‌شده و امروزه بر اساس روش‌های ماضی، حجاب اسلامی رعایت می‌شود. حجاب نیز از ضروریات دین است که تأکید زیادی بر آن شده است. و منکر آن و کسانی که به این دستور الهی، به ویژه در جامعه‌ی اسلامی بی‌اعتنایی می‌کنند، کار حرام انجام می‌دهند و حتی «مرتد»<sup>۷</sup> هستند. لذا نهایتاً پوشش را باید حمل بر همان جامه‌ای کنیم که نزد عرف مردم، زن را از رؤیت کلیه‌ی نامحرمان محفوظ نگه می‌دارد و به عنوان پوشش اسلامی رواج پیدا کرده است.

ب: معنای اصطلاحی حجاب و پوشش اسلامی در معارف اسلامی

<sup>۲</sup>- زبیدی، محمدبن محمد، تاج‌العروس من جواهرالقاموس، ج ۲، ذیل واژه حجاب.

<sup>۳</sup>- لويس معلوف، المنجد في اللغة، (تک جلدی) کلمه‌ی جلب (معنی جَلَباب)، عربی، ص ۹۵.

<sup>۴</sup>- قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، معنی کلمه جلب (جَلَباب)، عربی، ج ۷، ص ۱۸۴.

<sup>۵</sup>- ابن‌منظور، جمال‌الدین محمدبن مکرم، لسان‌العرب، حرف جیم، ج ۶، واژه‌ی جَلَباب.

<sup>۶</sup>- مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص ۴۳۰.

<sup>۷</sup>- گیلانی فومنی، محمدتقی (بهجت)، استفتانات بهجت، ج ۴، ص ۱۷۴، مسائل ۵۱۹۴ و ۵۱۹۵.

حجاب در معنی اصطلاحی خود نیز بیشتر با اهداف حفظ حجاب اسلامی پیش رفته و هر جا بحثی از پوشش هست، هدف پوششی هست که با اهداف اسلام همراه باشد. امروزه در بین عامه مردم می‌بینیم که به جای کلمه‌ی پوشش از حجاب استفاده می‌شود. و این را اکثر مردم می‌دانند که حجاب به معنی پوشش و زنی که حجاب دارد، یعنی خود را از نامحرم پوشیده است. لذا بیشتر از کلمه‌ی حجاب به جای کلمه‌ی پوشش در این نوشتار استفاده خواهیم کرد. واژه‌ی حجاب هفت بار در قرآن کریم<sup>۸</sup> غالباً به معنای مانع و حائل به کار رفته، اما فقط آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی احزاب که مردان مسلمان را از رودررو شدن با همسران پیامبر(ص) منع کرده، تا حدودی ناظر به معنای اصطلاحی مطرح در این نوشتار است که در ادامه‌ی بحث خواهد آمد. در خصوص معنی اصطلاحی حجاب سراغ نظر عالمی از علمای معاصر می‌رویم که در این خصوص بیان می‌دارد:

«در اصطلاح، حجاب از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله‌ی پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش «حجاب» نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع‌شدن صورت گیرد. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه‌ی «پوشش» را به کار می‌بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت «حجاب» پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع‌شدن زن است و همین امر موجب شده که عده‌ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. استعمال کلمه‌ی «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه‌ی «ستر»<sup>۹</sup> که به معنی پوشش است به کار رفته نه کلمه‌ی «حجاب». وظیفه‌ی پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است، بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند چنین چیزهایی وجود داشته است، ولی در اسلام وجود ندارد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.»<sup>۱۰</sup>

کلمه‌ی حجاب نیز در روایات بسیار بکار رفته است. مخصوصاً در دستوری که امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر نوشته است، می‌فرماید:

«فَلَا تَطُولَنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ<sup>۱۱</sup>! در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه‌ی خود از مردم پنهان کن.»

<sup>۸</sup> نور(۲۴)/۳۱۰: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ اَرْزَىٰ لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۳۰ و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُنَّ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبَائِهِنَّ اَوْ اَبْنَائِهِنَّ اَوْ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِي اِخْوَانِهِنَّ اَوْ اَبْنَاءِ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ اَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ اُولِي اِلْرَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ اَوْ الطِّفْلِ الَّذِيْنَ لَمْ يَظْهَرُوْا عَلٰى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا اِلَى اللّٰهِ جَمِيعًا اِنَّهُمُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

– احزاب(۳۳)/۵۳: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ اِنَّ اَتَقِيْنَ فَلَاحْتِضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ و قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۳۲ و قُرْنِ فِيْ بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰٓئِ وَ اَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطْعَمْنَ اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۳۳

– یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین اناه و لکن اذا دعیتم فادخلوا فاذا طعمتم فانشرؤا و لا مستأنسین لحدیث ان ذلکم کان یؤذی النبی فیستحیی منکم و اللہ لا یتحیی من الحق و اذا سألتموهن متاعا فستلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن و ما کان لکم ان تؤذوا رسول اللہ و لا ان تنکحوا ازواجه من بعده ابدأ ان ذلکم کان عند اللہ عظیماً ۵۳

– اعراف(۷)/۴۶: و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیماهم و نادوا اصحاب الجنة ان سلام علیکم لم یدخلوها و هم یطمعون

– مریم(۱۹)/۱۷: فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَارْسَلْنَا اِلَیْهَا رُوحَنَا فَمَتَّلْ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

– فصلت(۴۱)/۵: و قالوا قلوبنا فی اکنة مما تدعونا اِلَیْهِ و فی آذاننا وقر و من بیننا و بینک حجاب فاعمل اننا عاملون

– شوری(۴۲)/۵۱: و ما کان لبشر ان یشیر الی اللہ الا وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء اِنَّهُ عَلٰى حَکِیْمٍ

<sup>۹</sup> – جمعی از مؤلفان، مجله‌ی فقه اهل بیت(ع)(فارسی)، ج ۲۲، ص ۶۰.

<sup>۱۰</sup> – مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص ۴۳۰.

<sup>۱۱</sup> – نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳.

حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار بده تا ضعیفان و بیچارگان بتوانند نیازمندی‌ها و شکایات خود را به گوش تو برسانند و تو نیز از جریان امور بی‌اطلاع نمانی.

البته حجاب بیشتر برای زنان در کلام الهی مورد تأکید قرار گرفته و بیشتر با استفاده از جَلَبَاب (نوعی پوشش) به زنان اخطار شده که خود را از نامحرم حفظ نمایند. به عنوان مثال در کلام الهی آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا<sup>۱۲</sup>: ای پیغمبر (ص) به زنان و دختران خود و به زن‌های مؤمنان بگو که خویشان را با چادر بپوشانند، که این پوشانیدن برای زن‌ها در حفظشان به صلاح و عفاف و آزادی که از ادیت و تعرض نظر بازان مصون خواهند ماند بسیار بهتر است و خداوند آمرزنده‌ی گناهان و مهربان است.»

پس نهایتاً پوشش نزد بیشتر علما در اصطلاح به سمت پوشش لباس زن و مرد رونق یافته و بیشتر در نوع پوشش و حدود آن اختلاف است که در تعریف اصطلاحات، موارد اختلافی از علمای اهل تسنن بیان شد. لذا پوشش را در اصطلاح در این نوشتار به سمت همان جامه‌ای که مانع از رؤیت بدن باشد و حجاب اسلامی را جلوه‌گر نماید، می‌بریم و در کنار این معنی از معانی پوشش‌های دیگری که در اسلام به آن تأکید کرده، بهره خواهیم برد.

### نتیجه‌گیری

حجاب در اسلام از یک مسأله‌ی کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.<sup>۱۳</sup>

از آنجایی که وجه تمایز زن با مرد در این است که ذات اقدس الهی در وجود زن مظاهر زنانگی و جاذبه‌های جنسی را به ودیعت نهاده است که این جاذبه‌ها راهی به سوی لذت و کامجویی متقابل در بین زن و مرد می‌باشد، بدیهی است که منشأ این لذت جنسی، با عدم پوشش مناسب برای زن، راه را برای کامجویی مردان و بی‌ارزش شدن زن باز می‌کند.

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه‌ی زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی مضر است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود.

فلسفه‌ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. علت این که جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می‌شود، جواب می‌دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه‌ایم، و یا به عنوان دیگر از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند همین است؛ و حال آن که در قدیم یکی از شیرین‌ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آن که به برکت دنیای اروپا کالای زن این‌همه ارزان و فراوان گردد «شب زفاف را کم از تخت پادشاهی» نمی‌دانستند. ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل

<sup>۱۲</sup> - احزاب (۳۳)/۵۹.

<sup>۱۳</sup> - مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، صص ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۴.

نیکبختی و سعادت خود می‌دانستند، ولی امروز کام‌جویی‌های جنسی در غیر کادر ازدواج به حدّ اعلیٰ فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاق‌ها وجود ندارد.<sup>۱۴</sup>

### پیشنهادها

- ۱- زن مهم‌ترین نقش در حجاب و تحرکات هوای نفسانی دارد، لذا واجب شرعی است که در جامعه‌ی اسلامی حجاب سر و بدن را حفظ کند، و بهتر است که این وجوب از طریق حکومت تقویت شود.
- ۲- از آن‌جایی که ظاهر انسان‌ها بیشترین جاذبه در چشم و به طبع آن در قلب به وجود می‌آورد، لذا بهتر است الزام قانونی به وجود بیاید برای کسانی که از ظاهری بدن‌نما و آرایشی غلیظ استفاده می‌کنند.
- ۳- همچنین پوشش‌هایی که در خیابان‌ها مشاهده می‌شود و سود جویان به عنوان مُد روز تولید می‌کنند، پیشنهاد می‌گردد از تولید آن‌ها و ورود مدهای مبتذل به کشور نیز خودداری گردد.
- ۴- بهتر است از دوران بلوغ دختران و پسران، نحوه‌ی آموزش پوشش صحیح اسلامی بر اساس نظرات فقهای مذاهب و عقل سلیم به آن‌ها آموزش داده شود.
- ۵- پیشنهاد می‌گردد، عواقب بدی که به واسطه‌ی بدحجابی مشمول زنان شده است را به عنوان داستان آموزنده به پسران و دختران طی برنامه‌ریزی صحیح، از طریق مراکز علمی آموزش داده شود.
- ۶- پیشنهاد می‌گردد با رعایت حجاب اسلامی در طول دوران تحصیل، امتیازاتی برای آینده در نظر گرفته شود تا از موجبات تشویق همگان و نسل‌های آتی باشد.

### منابع و مأخذ

- \* قرآن مجید (با ترجمه‌ی حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)
- \* نهج‌البلاغه . سید رضی، محمد، نهج البلاغه، در یک جلد، قم: مؤسسه نهج البلاغه، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- \* شرح نهج البلاغه. جعفری تبریزی. محمد تقی. (۲۷جلدی) تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. نهم، ۱۴۱۸ ش.
- ۱- منابع عربی
- ۱- ابن اثیر، مبارک. النّهائیه فی غریب‌الحدیث و الاثر. (یک جلدی). قم: اسماعیلیان. ۱۴۰۶ق.
  - ۲- ابن حزم، علی‌بن احمد. المحلّی. (سه جلدی). دمشق: دارالفکر. [بی‌تا].
  - ۳- احمد ابن حنبل، مسندالامام احمد بن حنبل. (۶جلدی). بیروت: دارصادر. [بی‌تا].
  - ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن. مقدّمه تاریخ ابن خلدون. (۲جلدی) بیروت: دارالفکر. ۱۴۲۴ق.
  - ۵- ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحریر والتّنویر. (۱۸جلدی). [بی‌جا]: [بی‌نا]. [بی‌تا].
  - ۶- ابن عربی، محمد. احکام القرآن. (۴جلدی). بیروت: دارالمکتب الهلال. [بی‌تا].
  - ۷- ابن قدامه، موفق الدین ابو محمد عبدالله بن محمود بن قدامه. المغنی علی مختصر الامام ابن القاسم عمر بن الحسین بن عبدالله بن احمد الخرقی. (هفت جلدی). بیروت: دارالکتب العربی. ۱۴۰۷ق.
  - ۸- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو. تفسیر القرآن العظیم. (شش جلدی). بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۹ق.
  - ۹- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. لسان العرب. (پانزده جلدی). چاپ سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر. ۱۴۱۴ق.
  - ۱۰- اندلسی، محمد بن احمد بن رشد. بدایة‌المجتهد و نهایة‌المقتصد. (یک جلدی). بیروت: دارالفکر. ۱۴۱۵ق.
  - ۱۱- اندلسی، محمد بن یوسف. البحر المحیط. (هشت جلدی). بیروت: دارالفکر. ۱۴۲۰ق.
  - ۱۲- بحرانی، شیخ یوسف. الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة. (۲۵جلدی). قم: ۱۴۰۹ق.
  - ۱۳- بخاری، محمد بن اسماعیل. صحیح بخاری. (۹جلدی). بیروت: چاپ محمد ذهنی افندی. ۱۴۰۱ق.

<sup>۱۴</sup> - مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص ۴۲۸.

- ۱۴- بیهقی، احمد بن حسین. السنن الكبرى. (۱۱ جلدی). بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۲۴ق.
- ۱۵- بیهوتی، منصور. کشف القناع. (۶ جلدی). بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۸ق.
- ۱۶- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره. الجامع الصحیح (سنن ترمذی). (۴ جلدی). چاپ اول. مصر: شرکت مکتبه المطبعة مصطفى البابي الحلبي. ۱۳۸۲ق.
- ۱۷- جزیری، عبدالرحمن. کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت (ع). (۶ جلدی). بیروت: ۱۴۱۰ق.
- ۱۸- رازی، ابوبکر احمد بن علی. (معروف به جصاص). کتاب احکام القرآن. (۴ جلدی). بیروت: چاپ افسس. ۱۴۰۶ق.
- ۱۹- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. (سه جلدی). بیروت: چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی. ۱۴۰۶ق.
- ۲۰- حرّانی، احمد بن تیمیه. شرح عمده الفقه. (۲ جلدی). ریاض: مکتبه الغیبکان. ۱۴۱۳ق. (مورد پاورقی جلد ۱ است)
- ۲۱- حرّعاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. (بیست جلدی). چاپ دهم. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. 1409 ق.
- ۲۲- طباطبائی حکیم، سید محسن. مستمسک العروه الوثقی. (۱۷ جلدی). قم: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۲۳- رازی، فخرالدین محمد بن عمر. التفسیر الکبیر. (۲۸ جلدی). بیروت: نشر مفاتیح الغیب. ۱۴۲۱ق.
- ۲۴- \_\_\_\_\_ . مفاتیح الغیب. (۸ جلدی). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. ۱۴۲۰ق.
- ۲۵- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. المفردات فی الفاظ القرآن. (۳ جلدی). دمشق: دارالعلم. ۱۴۱۲ق.
- ۲۶- رافعی، عبدالکریم بن محمد. فتح العزیر فی شرح الوجیز. (۱۲ جلدی). بیروت: دارالفکر. [بی تا].
- ۲۷- زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی. تاج العروس من جواهر القاموس. (بیست جلدی). چاپ اول. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع. ۱۴۱۴ق.
- ۲۸- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر. (۲۴ جلدی). دمشق: دارالفکر. ۱۴۱۸ق.
- ۲۹- \_\_\_\_\_ . الفقه الاسلامی و ادلته. (۱۰ جلدی). دمشق: دارالفکر. چاپ سوم. ۱۴۱۸ق.
- ۳۰- زرکشی، محمد بن بهادر. البرهان فی علوم القرآن. (۴ جلدی). بیروت: دارالمعرفه. ۱۴۱۰ق.
- ۳۱- سائیس، محمد علی. تفسیر آیات الاحکام. (یک جلدی). بیروت: مکتبه العصریه. بی تا.
- ۳۲- سیستانی سجستانی، سلیمان بن الأشعث بن اسحق. سنن ابی داود. (۸ جلدی). بیروت: دارالفکر. ۱۴۱۰ق.
- ۳۳- سیوطی، جلال الدین. الدرر المنثور. (۸ جلدی). قم: کتابخانه آیتالله مرعشی. ۱۴۰۴ق.
- ۳۴- سیوطی، جلال الدین و جلال الدین المحلی. تفسیر الجلالین. (۱۴ جلدی ۸ سیوطی و ۶ محلی). بیروت: مؤسسه النور. ۴۱۶ق.
- ۳۵- شافعی، محمد بن ادريس. کتاب الام شافعی، (۳ جلدی) بیروت، دار الفکر، به کوشش محمد زهری نجار، ۱۳۹۳ق.
- ۳۶- شوکانی، محمد بن علی. نیل الاوطار. (۳ جلدی). بیروت: دارالجمیل. ۱۹۷۳م.
- ۳۷- صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (چهل و سه جلدی). تهران: المکتبه الاسلامیه. ۱۳۶۷ش.
- ۳۸- طباطبائی، محمد حسین. تفسیر المیزان. (۲۰ جلدی). تهران: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۶۰ق.
- ۳۹- طباطبائی یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم. العروه الوثقی. (۷ جلدی). بیروت: مؤسسه الاعلی للمطبوعات. ۱۴۲۰ق.
- ۴۰- طوسی، محمد بن حسن. الخلاف. کتاب النکاح. (۶ جلدی). قم: جامعه المدرسین. [بی تا].
- ۴۱- \_\_\_\_\_ . المسبوط فی فقه الامامیه. (چهار جلدی). چاپ چهارم. تهران: چاپ محمد باقر بهبودی. ۱۳۸۸ش.
- ۴۲- تکراری با حر عاملی حذف شد.
- ۴۳- عبدالقادر زین الدین رازی، محمد بن ابی بکر. مختار الصحاح. (تک جلدی). بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۵ق.
- ۴۴- عبدالوهاب، محمد. شروط الصلاه و ارکانها و واجباتها. (۲ جلدی). ریاض: مطالع الرياض. [بی تا].



- ۴۵- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی. الشافی فی العقائد والأخلاق والأحكام. (دو جلدی). چاپ اول. تهران: دار نشر اللوح المحفوظ. ۱۴۲۵ق.
- ۴۶- قرشی، سید علی اکبر. قاموس قرآن. (۷ جلدی). چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۱۲ق.
- ۴۷- قرشی (ابن اخوه)، محمد. معالم القریه. (۸ جلدی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۴۰۸ق.
- ۴۸- قرطبی، محمد بن احمد. الجامع الاحکام القرآن. (۲۰ جلدی). تهران: ناصر خسرو. ۱۴۰۶ق.
- ۴۹- کاشانی، ابوبکر بن مسعود. بدائع الصنائع. (۷ جلدی). پاکستان: المكتبة الحبیبه. ۱۴۰۹ق.
- ۵۰- ماردینی، علاء الدین. الجوهر النقی. (۲ جلدی). دمشق: دارالفکر. [بی تا].
- ۵۱- مالک بن انس، الموطا. (۲ جلدی). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. ۱۴۰۶ق.
- ۵۲- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الأطهار، (صدوده جلدی). بیروت: [بی تا]. ۱۴۰۳ق.
- ۵۳- مسلم بن حجّاج، صحیح مسلم. (۹ جلدی). بیروت: چاپ محمد فؤاد عبدالباقی. [بی تا].
- ۵۴- مصری، ابن نجیم. البحر الرائق. (۲ جلدی). بیروت: دارالاحیاء الکتب العلمیه. ۱۴۱۸ق.
- ۵۵- لویس معلوف، المنجد فی اللغه. (تک جلدی) قم: نشر بلاغت. سوم، ۱۳۷۶. عربی
- ۵۶- مقدّم، محمد احمد اسماعیل. ادله الحجاب. (۲ جلدی). بیروت: اسکندریه. ۱۴۲۵ق.
- ۵۷- مقرئ فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. (تک جلدی). چاپ اول. قم: منشورات دارالرضی. [بی تا].
- ۵۸- از فهرست و متن حذف شد.
- ۵۹- نجاری، محمد بن اسماعیل. صحیح بخاری حاشیه السندی. (هفت جلدی). بیروت: دارالمعرفه. [بی تا].
- ۶۰- نوری محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. (۱۸ جلدی). قم: مؤسسه آل البيت. ۱۴۰۸ق.
- ۶۱- نیشابوری، مسلم. صحیح مسلم. (شش جلدی). بیروت: دارالفکر. [بی تا].
- ۶۲- هیثمی، علی بن ابوبکر. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. (چهار جلدی). بیروت: دارالفکر. ۱۴۰۸ق.
- (ب) منابع فارسی
- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین. من لایحضره الفقیه. (شش جلدی). ترجمه‌ی علی اکبر غفاری. چاپ اول. تهران: نشر صدوق. ۱۴۰۹ق.
- ۲- اسلامی، رضا. مدخل علم فقه. (یک جلدی). چاپ اول. قم: نشر مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه. ۱۳۸۴ش.
- ۳- الهی بلندشهری، محمد عاشق، هدیه‌ای به خواهران، یا، گفتگوی رسول اکرم (ص) با بانوان اسلام. (؟؟؟ جلدی). ترجمه‌ی مولانا نذیر احمد سلامی. چاپ اول. مشهد: خاطره. ۱۳۸۹ش.
- ۴- امام خمینی، سید روح الله. توضیح المسائل. (یک جلدی). قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول. ۱۴۲۶ق.
- ۵- \_\_\_\_\_ . سر الصلاة، معراج السالکین و صلاة العارفين. (یک جلدی). چاپ نهم. تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). ۱۴۲۹ق.
- ۶- البوطی، محمد سعید رمضان. زن در میان شفافیت الهی و تیرگی غرب. (یک جلدی). ترجمه‌ی فرید قادری. چاپ اول. سنندج: انتشارات کردستان. ۱۳۸۲ش.
- ۷- بهجت گیلانی فومنی، محمد تقی. استفتاات. (چهار جلدی). چاپ اول. قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت. ۱۴۲۸ق.
- ۸- جعفریان، رسول. رسائل حجابیه. (دو جلدی). چاپ دوم. قم: نشر دلیل ما. ۱۴۲۸ق.
- ۹- جمعی از پژوهشگران، زیر نظر هاشمی شاهرودی. سید محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). (سه جلدی). چاپ

- اول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). ۱۴۲۶ق.
- ۱۰- جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت (ع) (فارسی). (پنجاه و شش جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). [بی تا].
- ۱۱- خوئی، سید ابوالقاسم.. المبانی فی شرح العروة الوثقی. مقرر: خویی. سید محمد تقی. (۳۹ جلدی). قم: مؤسسه احیاء الآثار الامام الخوئی. چاپ دوم. ۱۴۲۲ق.
- ۱۲- ویل دورانت، تاریخ تمدن، (۱۲ جلدی). چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات و آموزش اسلامی. ۱۳۶۷ش.
- ۱۳- دکتر وهبه زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر (احکام، آداب، حقوق و مسؤولیتها). (یک جلدی). ترجمه‌ی عبدالعزیز سلیمی. [بی جا]: [بی نا]. [بی تا].
- ۱۴- سبزواری، عبدالاعلی. مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام. (۳۰ جلدی). قم: موسسه المنار. چهارم. ۱۴۱۳ق.
- ۱۵- سیفی مازندرانی، علی اکبر. دلیل تحریر الوسیله. (شش جلدی). تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی. [بی تا].
- ۱۶- عاملی. شیخ ابی عبدالله مکی. (شهید اول). الدروس الشرعیة لمعه الدمشقیة. ترجمه: محمد شیروانی. قم: انتشارات دارالفکر. ۱۴۰۶ق.
- ۱۷- شهید ثانی، زین الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. (ده جلدی). قم: نشر کتابفروشی داوری. ۱۴۱۰ق.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (بیست جلدی). تعلیقه: سیدهاشم رسولی. تهران: مکتب العلمیة الاسلامیة. ۱۴۱۵ق.
- ۱۹- طهرانی، سید محمد حسین. امام شناسی. (۱۸ جلدی). چاپ اول. تهران: انتشارات حکمت. ۱۴۰۴ق.
- ۲۰- علامه‌ی حلی، حسن بن یوسف. تبصرة المتعلمین فی احکام الدین. (یک جلدی). تهران: مؤسسه‌ی چاپ و نشر فرهنگ و ارشاد. ۱۴۱۱ق. (عربی).
- ۲۱- حلی سیوری، مقداد بن عبدالله. کنز العرفان فی فقه القرآن. (دو جلدی). ترجمه‌ی عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. چاپ اول. قم: پاساژ قدس. [بی تا].
- ۲۲- فیض کاشانی، محمد محسن. مفاتیح الشرائع. (۳ جلدی). قم: مؤسسه آل‌البیت. ۱۴۰۱ق.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب. اصول الکافی. (۸ جلدی). ترجمه‌ی جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه‌ی اسلامیة. پنجم. ۱۳۶۹ش. (اصول کافی با اصول الکافی فرقی نمی کند)
- ۲۴- مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار). (۲۹ جلدی). چاپ اول. قم: انتشارات صدرا. بی تا.
- ۲۵- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان. (چهارده جلدی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم. ۱۴۰۳ق. (عربی)
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر. احکام بانوان. (یک جلدی). چاپ یازدهم. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع). ۱۴۲۸ق.
- ۲۷- \_\_\_\_\_ . استفتائات جدید. (سه جلدی). چاپ دوم. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع). ۱۴۲۷ق.
- ۲۸- \_\_\_\_\_ . دائرة المعارف فقه مقارن. (یک جلدی). چاپ اول. قم: نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع). ۱۴۲۷ق.
- ۲۹- \_\_\_\_\_ . کتاب النکاح. (شش جلدی). چاپ اول. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع). ۱۴۲۴ق.
- ۳۰- ملکی تبریزی، میرزا جواد. أسرار الصلاة. (یک جلدی). ترجمه‌ی رضا رجب زاده. چاپ چهارم. تهران: انتشارات پیام آزادی. ۱۴۲۰ق.

۳۱- منتظری نجف آبادی، حسین علی. معارف و احکام بانوان. (یک جلدی). چاپ دوم. قم: انتشارات مبارک. ۱۴۲۷ق.

۳۲- نراقی، احمد بن محمد مهدی. مستند الشیعه فی احکام الشریعه. (۱۹ جلدی). قم: موسسه آل بیت. ۱۴۱۵ق.

ج) مقالات

۱- روزنامه‌ی اطلاعات، «مصاحبه با آیت الله طالقانی». صفحه‌ی اول. ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ و کیهان ۱۶ اسفند ۵۷ شماره ۱۰۶۵۵. ص ۱.

۲- روزنامه‌ی اطلاعات، مقاله تحت عنوان «زنان امریکا در معرض خطر حملات جنسی». مورخ ۱۳۴۷/۹/۶.